

## نه به باج‌خواهی، نه به تحقیر، نه به سیاست ریاضت اقتصادی

رامین جوان

اراده‌ی کارگران و جوانان یونان برای خاتمه دادن به سیاست ریاضت اقتصادی در رد جسورانه‌ی اولتیماتوم ترویکا بازتاب یافته است.

حزب سیریزا از سوی پارلمان موکدا موکلف شد که به وعده‌های خود مبنی بر توقف سیاست ریاضتی عمل نموده به طبقه‌ی حاکم اتحادیه‌ی اروپا اجازه‌ی صدور فرامین تحقیرآمیز و مجازات مردم یونان را ندهد.

نه یعنی نه! نه به تسلیم، نه به سازش، نه به پرداخت حتا یک سنت دیگر به بانک‌ها.

دیگر نباید تردید کرد، دیگر نباید امتیاز داد، دیگر نباید با مامور اعدام بر سر طول طناب دار چانه زد. هرگونه سیاست مبتنی بر کسر کردن از خدمات دولتی و امکانات اجتماعی چه از سوی اتحادیه‌ی اروپای و چه از سوی اسپیراس و همپالگی هایش، از جانب مردم یونان رد می‌شود.

حزبی که بر مبنای یک پلاتفرم آنتی نئولیبرالی توانست رأی اکثریت عظیمی از مردم را بدست آورد، باید دست به تهاجم زده خواهان پایان دادن به سیاست محاصره‌ی ارزی گردد، هر فشاری در زمینه‌ی نگاه-داشتن یونان در حوزه‌ی یورو باید به عنوان اعلان جنگ به مردم یونان محکوم شود.

سیریزا در جایگاه حزب حاکم باید با تمام نیرو و توان مبارزه‌ای موثر را علیه سیاست ریاضت اقتصادی در منطقه‌ی یورو به پیش برد. باید به ویرانگری و باج‌خواهی نزول خواران انگل سالار اتحادیه سرمایه داران اروپا با اقدامات تهاجمی پاسخ دهد.

- کارگران یونان هم چون تجربه برادران و خواهران طبقاتی شان در آرژانتین باید در مقابله با ممانعت و اخراج، کارخانه‌ها را به تسخیر خود درآورده، خواهان دولتی شدن کارخانجات تحت نظارت کارگران، بدون پرداخت غرامت به سرمایه‌داران شوند.
- کسانی که دارایی خود را به خارج انتقال داده‌اند باید هم آن دارایی و هم دارایی‌شان در داخل یونان مصادره شود.
- در مقابله با خودداری از سرمایه‌گذاری، باید بانک‌ها ملی شده و در یک سیستم واحد بانکداری دولتی تحت نظارت خود مزدبگیران ادغام گردند.

• در مقابله با تهدید کودتای نظامی احتمالی و آوردن نیروهای سرکوب برای مقابله با توده های مردم باید در اسرع وقت کمیته های دفاع کارگری و کمیته های دفاع مردمی در محلات ایجاد گردد - سال ۱۹۶۷ و بر سر کار آمدن نظامی ها نباید تکرار شود.

اگر انتظار برای تزریق ارز ضروری به درازا بکشد باید به صورت موقت یک ارز موازی وارد بازار کرد. این یک راه حل دائمی نیست چرا که هدف باید هم دوش ماندن با طبقه ی کارگر اروپا در راستای نبرد مشترک علیه سیاست ریاضت اقتصادی در سراسر اتحادیه ی اروپا باشد.

جناح های «چپ» درون حزب سیریزا باید مردم را برای پی آمدهای اخراج احتمالی از اتحادیه ی اروپا آماده کند، اما در عین حال مسئولیت برچیدن و سرکوب کردن جنبش های کارگری و رایج کردن یک پول بی-ارزش را به گردن نگیرد.

اگر اتحادیه ی اروپا یونان را اخراج کند روشن می سازد که طبقه ی حاکمه ی اروپا دست به مجازات مردمی زده است که جرات کرده اند «نه» بگویند و تمام قد به پا خیزند و به سیاست های ضد بشری و ضد دموکراتیک و ضد کارگری بورژوازی آلمان و فرانسه و یونان، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی «نه» بگویند.

تنها یک نیرو می تواند توحش و استبداد سرمایه را مسدود کند و به تقابل با مرکل، اولاند و کامرون و سیاست های افسارگسیخته سرمایه داری در چهره نئولیبرالیسم برود: آن نیرو، نیروی طبقه ی کارگر اروپا است که اراده ی یک پارچه ی کارگران و جوانان میلیتانت و پیشرو یونان را ارج می نهد این طبقه باید از طریق سازماندهی اقدامات تهاجمی علیه بورژوازی کشورهای خود، به یاری خواهران و برادران طبقاتی اش در یونان بشتابد.

با وجود «نه» ی قاطع مردم یونان، جناح سیپراس در حزب سیریزا می کوشد تا با کارگزاران سرمایه داری اروپا به یک توافق دست یابد. این چیزی نیست جز تسلیم و تحقیر یک مبارزه ی متهوارنه که کارگران یونان آن را به تنهایی هفت سال تمام به پیش برده اند.

برای آنکه رژیم به ناراست چپ به همراه جریانات راست سنتی نتواند از طریق اعمال یک اختناق آرام در قالب «سبک کردن قرضها» به این معامله ننگین تن دردهد، تنها یک راه وجود دارد و آن بریدن طناب دار و جلوگیری از هرگونه سازش است. یعنی تسخیر خیابان ها و یورش به برج و باروهای سرمایه داری است. همسو با نافرمانی های رادیکال بایسته است به برگزاری همایش های گسترده اجتماعی و سوسیالیستی

کنفرانس های مطبوعاتی در یونان و چه در سطح اروپا و سایر کشورهای دیگر اقدام ورزید تا بتوانیم به مصاف ژورنالیسم نوکرومدیای سرمایه داری رفت.

جنبشی که به پیروزی Oxi یعنی «نه» انجامید باید همچنان بر خیابان حاکم باشد و یقین حاصل کند که سیریزا برنامه‌ی تحمیلی ترویکا را رد و وعده‌های انتخاباتی خود را پی می‌گیرد. سیریزا باید به ائتلاف خویش با ANEL (حزب یونان مستقل) پایان داده، پایه‌های حزب KKE (حزب کمونیست یونان) و تمامی رفقای Antarsya (همگامی آنتی‌کاپیتالیست‌های چپ یونان برای سرنگونی سرمایه یعنی چیزی شبیه حزب آنتی کاپیتالیست فرانسه) رفقای جوان و پرولتر بسیارخلاق آنارشیست - کمونیست را به سوی یک جبهه‌ی متحد کارگری علیه دولت - سرمایه و طبقه‌ی حاکمه‌ی اروپا فراخواند.

### چگونه می‌توان جلوی خرابکاری را گرفت

یک چنین مقاومت سترگ و ستودنی‌یی، بی تردید بر ژرفای مبارزه طبقاتی می‌افزاید. هر چه سیریزا در برابر دستورات ترویکا بیشتر مقاومت کند تلاش سرمایه نیز برای درهم شکستن اقتصاد یونان و وبه مستعمره درآوردن و عقب راندن و سرکوب جنبش کارگری در یونان و در کل اروپا توسط نهادهای دیکتاتور سرمایه مالی آلمان، فرانسه و بریتانیا با سنگ سکندرروبرو خواهد شد.

دربستر چنین بحران و مبارزه‌ی بی به وضوح آشکار میان اردوی انگل سالاران بورژوا و اردوی بی شمار کار و زحمت یونان حزب حاکم یعنی رژیم چپ رفرمیست در عمل نشان داده که نه انگیزه و نه تمایلی کافی برای شکل دادن به نافرمانی و مقاومت سراسری در برابر تهاجمات کاپیتالیستی و پیشبرد برنامه‌هایی که وعده داده بود را ندارد.

دربستر چنین شرایط پولاریزه شده‌ای باید به اعماق تجربه تاریخی جهانی - پرولتاریا فرو رفت واز انبان آن آموخت که تنها یک امکان و تنها یک بدیل در مقابل طبقه ما و رفقای مبارز ما وجود دارد و آن چیزی نیست جز به استقبال یک خیز بلند رفتن یعنی پیکار برای جمهوری شورایی کارگران و زحمتکشانش یعنی ضرورت درهم شکستن ماشین دولت و سرکوب بورژوازی. تنها یک دولت کارگری که در واقع نوعی نادولت است قدرت اکثریت جامعه است و متکی بر دموکراسی مستقیم نهادهای قدرت توده‌ای یعنی شوراهای شهری و منطقه‌ای کارگران و زحمتکشانش است. این دولت نادولت - نه دولتی متکی به بوروکراسی، دستگاه قهریه و قضائیه، پلیس و ارتشی که برای حفاظت از سرمایه آموزش دیده شده‌اند - بل دولتی از خود کارگران و متکی به شوراهای کارگران و مسئول و پاسخگوبه اکثریت عظیم جامعه است. چنین دولتی نه یک

مجمع وزرا، بلکه نهادی است که اکثریت عظیم را بدست خود اکثریت عظیم در سازماندهی و هدایت جامعه راهبراست.

هدف دولت کارگری در ایستار جمهوری شورایی آن است که ابزار اعمال دیکتاتوری سرمایه را از دستش برآید و تولید و توزیع را براساس یک برنامه ریزی دموکراتیک سوسیالیستی سازمان دهد که بتواند پاسخگوی نه نیازهای استبداد بازار آزاد بل بر مبنای نیازهای اکثریت عظیم استوار باشد.

کارخانجات بزرگ و صنایع کلیدی باید تحت کنترل شوراهای کارخانه قرار گیرند تا میزان تولید بالاتر رفته و از خرابکاری پیشگیری گردد. به منظور حفظ پس اندازهای اقشار کم درآمد باید بانکها مصادره شوند. همچنین ثروت و دارایی سرمایه داران و خائنین نیز باید مصادره گردد. ثروت هایی که در بانک های سوئیس اندوخته اند باید به مصرف صندوق بازنشستگی و کار آفرینی برای ارتش میلیونی بیکاران برسد تا بخشی از زیان های مردم یونان جبران گردد.

این به معنای رویارویی مستقیم با منافع سرمایه بوده و لازمی آن داشتن آمادگی کامل برای مقابله با واکنش کارفرمایان می باشد. در صورت نداشتن این آمادگی خطر آن وجود دارد که طبقه ی کارگر در برابر تهاجم نیروهای ضد انقلاب یارای مقاومت کافی نداشته و به زانو درآید.

پلیس باید خلع سلاح و مغلوب گردد. به سربازان ساده باید آگاهی های لازم داده شده و یک نیروی مسلح کارگری برای مقابله با کودتای احتمالی ژنرال ها علیه جنبش کارگری پایه ریزی گردد.

لحظه ی نهایی نزدیک می شود. سرنوشت مبارزات اروپا طی روزها و هفته های آینده در یونان رقم خواهد خورد.

زمان آن رسیده که کارگران یونان برای به دست گرفتن سرنوشت خویش گام اساسی را برداشته، نبرد نهایی را به پایان برند.

تمامی کارگران و جوانان بهره مند از آگاهی طبقاتی به یاری شما خواهند شتافت.

ما می گوئیم: مبارزه ی کارگران یونان مبارزه ی ما نیز هست. پیروزی شما پیروزی تمامی کارگران اروپا و چپ در سطح بین المللی خواهد بود.

ما باید روح مبارزاتی میدان «سینتاگما» را به میدان «پیازا»ی مادرید، میدان «جمهوری» پاریس و تمامی میدان ها و خیابان های پایتخت های اروپایی منتقل کنیم.

سخن از انتخاب میان اصلاحات و انقلاب نیست، بلکه انتخاب میان انقلاب و ضدانقلاب است. سستی و وقت کشی، ابتکار عمل را به دست دشمنان ما خواهد داد.

به همان میزان که احتمال پیروزی بر سیاست ریاضت اقتصادی و آغاز یک انقلاب سوسیالیستی در دسترس به نظر می آید، خطر ضدانقلاب نیز تهدیدی جدی است که پیروزی آن باعث تضعیف جنبش کارگری در تمامی اروپا و در سطح بین المللی خواهد شد.

۲۰۱۵-۰۷-۱۰